

احكام امر

توم يك

معارف مقدماتی

فهرست مندرجات

صفحه

عنوان

۱	مقدمه
۳	فصل اول : نماز
۷	فصل دوم : روزه
۹	فصل سوم : حج بیت
۱۰	فصل چهارم : کسب و کار
۱۲	فصل پنجم : طهارت و پاکی
۱۴	فصل ششم : تربیت و تعلیم
۱۷	فصل هفتم : حقوق الله
۲۰	فصل هشتم : تشییع و دفن اموات
۲۴	فصل نهم : ازدواج
۲۵	فصل دهم : ذکر ۹۵ مرتبه الله ابهی
۲۶	فصل یازدهم : زکات
۲۷	فصل دوازدهم : تلاوت آیات در هر صبح و شام
۲۸	فصل سیزدهم : ضیافت نوزده روزه
۳۰	فصل چهاردهم : مشرق الاذکار
۳۱	فصل پانزدهم : موسیقی و شنیدن اصوات
۳۲	فصل شانزدهم : احترام ایام محرمه
۳۳	فصل هفدهم : رعایت حال حیوان
۳۴	فصل هجدهم : اطاعت از حکومت
۳۵	فصل نوزدهم : معاشرت با اهل ادیان

- ۳۶ فصل بیستم : لباس و محاسن
- ۳۷ فصل بیست و یکم : طلاق
- ۳۹ فصل بیست و دوم : نهی از دست بوسیدن
- ۴۰ فصل بیست و سوم : نهی از غیبت و افتراء
- ۴۱ فصل بیست و چهارم : نهی از سرقت
- ۴۳ فصل بیست و پنجم : نهی از منازعه و مناقشه
- ۴۴ فصل بیست و ششم : نهی از اعتراض بر یکدیگر
- ۴۵ فصل بیست و هفتم : نهی از دروغ
- ۴۶ فصل بیست و هشتم : حرمت قمار
- ۴۷ فصل بیست و نهم : حرمت حمل اسلحه
- ۴۸ فصل سی ام : نهی از استفاده از منبر
- ۴۹ فصل سی و یکم : نهی از تکدی
- ۵۰ فصل سی و دوم : نهی از نوشیدن مسکرات
- ۵۱ فصل سی و سوم : ذم دخان و حرمت افیون
- ۵۳ فصل سی و چهارم : دخول در خانه کسی بدون اجازه
- ۵۴ فصل سی و پنجم : توبه و استغفار نزد عباد
- ۵۵ فصل سی و ششم : نهی از تقیه و کتمان عقیده
- ۵۶ فصل سی و هفتم : نهی از تاویل کلمات الهیه
- ۵۷ فصل سی و هشتم : نماز آیات
- ۵۸ فصل سی و نهم : ربح پول
- ۵۹ فصل چهلم : عطسه و چشم زخم و استخاره
- ۶۰ فصل چهلم و یکم : ذکرگفتن در کوچه و بازار

مقدمه

در این ظهور اعظم، اولین دستور و حکم خداوند به
بندگانش شناسائی و عرفان مظهر امر و مشرق وحی الهی
یعنی جمال مبارک است و سپس عمل با امر و احکام آن
حضرت که به اراده الهی نازل فرموده اند، در کتاب
مستطاب اقدس نازل قوله تعالی: " اِنَّ اَوَّلَ مَا كَتَبَ

اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ عِرْفَانُ مَشْرِقِ وَحْيِهِ وَ مُطَّلَعِ أَمْرِهِ الَّذِي كَانَ
مَقَامَ نَفْسِهِ فِي عَالَمِ الْأَمْرِ وَالْخَلْقِ مَنْ فَازَ بِهِ قَدْ فَازَ بِكُلِّ
الْخَيْرِ وَالَّذِي مَنَعَ مِنْهُ مِنْ أَهْلِ الضَّلَالِ وَ لَوْ يَأْتِي بِكُلِّ
الْأَعْمَالِ "

"إِذَا فَزْتُمْ بِهَذَا الْمَقَامِ الْأَسْنَى وَالْأَفْقِ الْأَعْلَى يَنْبَغِي لِكُلِّ
نَفْسٍ أَنْ يَتَّبِعَ مَا أَمَرَ بِهِ مِنْ لَدَى الْمَقْصُودِ لِأَنَّهَا مَعًا
لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ هَذَا مَا حَكَّمَ بِهِ مَطَّلَعِ الْإِلَهَامِ . "

مضمون آیه‌های مبارک فوق به فارسی چنین است :
اول فریضه بندگان ، شناسائی مشرق وحی و مطلع امر
الهی است که قائم مقام نفس حق در عالم امر و خلق
میباشد ، کسی که به عرفان مظهر ظهور نائل شود بکل خیر
فائز شده و نفسی که ممنوع گردد ولو به جمیع اعمال
پسندیده عامل باشد از اهل ضلالت و گمراهی بشمار می‌آید
وقتی که به این مقام بلند رسیدید شایسته است که

متابعت کنید از سنن و اوامر او که لازم و ملزوم
یکدیگر بوده و یکی بدون دیگری در درگاه الهی بزیور
قبول آراسته نخواهد گردید. انتهی

در لوح صادر از یراعه جمال قدم نازل :
" بعد از عرفان مشرق وحی، دو امر لازم یکی استقامت و
دیگری اتباع اوامر الله که در کتاب نازل شده طوبی
لِلْفَائِزِينَ . " صفحه ۶ گنجینه حدود و احکام

حضرت عبدالبهّا مرکز میثاق و مبین آیات میفرمایند :
" در این دور مبارک که فخر قرون و اعصار است ایمان
عبارت از اقرار به وحدانیت الهیه نه ، بلکه قیام
به جمیع شئون و کمالات ، ایمان است . "
صفحه ۹ گنجینه حدود و احکام

حضرت ولی امرالله میفرمایند :
" معرفت مظهر ظهور اگر شمر و نتیجه اش حسن سلوک و
تزکیه اخلاق نباشد از نفوذ و تاثیر محروم و نزد اهل
دانش و ارباب بصیرت قابل اعتنا نبوده و نیست چه
که این معرفت ، معرفت حقیقی نه بلکه صرف توهم و
تقلید است " .
توقیع ۱۶ اکتبر ۱۹۲۵

حال که اهمیت احکام بیان شد و واضح گردید که ایمان
و عرفان حضرت بهّا الله بدون اجرای دقیق اوامر و احکام
شرع مقدس بهائی مورد قبول خداوند واقع نمیشود با
رعایت اختصار بشرح اوامر و دستورات صادره میپردازیم
و اضافه مینمائیم که شارع دیانت بهائی اوامر و احکام
را ضمنی متین از برای حفظ و حراست عباد خویش توصیف
فرموده و سر سعادت و رمز فلاح پیروان آئین نازنین
را در اطاعت و پیروی از فرامین معین فرموده اند .

فصل اول : نماز

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ قُرِضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةُ وَالصُّومُ مِنْ أَوَّلِ الْبُلُوغِ أَمْرًا
مِنْ كَلِّ اللَّهِ رَبِّكُمْ وَرَبِّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ . "

مضمون بیان مبارک چنین است : " نماز و روزه از اول بلوغ از سوی حضرت پروردگار بر شما فرض و واجب گردیده است " انتهى

حضرت مولی‌الوری میفرمایند :

" صلوة اُسُّ اساس امرالهی است و سبب روح و حیات قلوب رحمانی . " صفحه ۹ گنجینه حدود و احکام

و نیز میفرمایند قوله العزیز :

" قلب انسان جز به عبادت رحمان مطمئن نگردد و روح انسان جز به ذکر یزدان مُستبشّر نشود . " صفحه ۱۳ گنجینه حدود و احکام

و نیز میفرمایند :

" ای یار روحانی مناجات و صلاة فرض و واجب است و از انسان هیچ عذری مقبول نه مگر آنکه مُخْتَلُ الْعَقْلِ یا دچار موانع فوق‌العاده باشد . "

صفحه ۱۳ گنجینه حدود و احکام

حضرت ولی امرالله جل شانه میفرمایند: " نماز تکلیف شرعی یاران و از ارکان شریعت الله محسوب و تأثیرش از ادعیه و مناجاتهای نازله شدیدتر " توقیع جناب دکتر لطف الله حکیم

در مورد نماز باید به نکات زیر که بطور اختصار به آنها اشاره میشود توجه کرد:

۱- هر فرد بهائی مجاز و مُخیر است یکی از سه نماز را بنا رعایت آداب و شرایط نازله بخواند. در رساله سؤال و جواب مذکور است قوله تعالی: "عمل به یکی از این صلوة ثلاثه واجب هر کدام معمول رود کافی است انتهى."

۲- نماز از سن بلوغ شرعی که برای زن و مرد پانزده سال تمام تعیین گردیده، واجب است.

۳- راجع به وضو در دست خط بیت العدل اعظم الهی که به افتخار جناب هوشنگ محمودی صادر چنین مرقوم است: " سؤال دوم راجع به حکم وضو هم در صلاه کبیر و هم در صلوة وسطی و صلوة صغیر هر سه واجب است منتهی تلاوت آیات وضو که مختص صلاه وسطی است در هنگام شستن دست و رو در دو صلوة دیگر واجب نیست و در نماز کبیر و صغیر شستن دست و صورت به نیت اقامه صلوة کافی است. " انتهى

۴- اگر در نقطه‌ای آب یافت نشود یا به علل و موجبات دیگر از قبیل زخم جراحت و مرض، استعمال آب مضر باشد

بجای وضو آیه مبارکه زیر پنج مرتبه تلاوت میشود :

" بِسْمِ اللّٰهِ الْاَطْهَرِ الْاَطْهَرِ "

۵- در خصوص وقت اقامه نمازهای سه گانه طبق نصوص مبارکه نماز بزرگ در بیست و چهار ساعت یکبار و هر وقت انسان در خود حالت توجه و حضور قلب مشاهده نماید واجب است . نماز وسطی هر شبانه روز سه بار واجب است از طلوع فجر تا ظهر و از ظهر تا غروب آفتاب و از غروب آفتاب تا دو ساعت از شب گذشته و صلوة کوچک در بیست و چهار ساعت یکبار از ظهر به ظهر واجب است در مورد اینکه این نماز را باید نشسته بجا آورد یا ایستاده ، جمال مبارک میفرمایند :

" قِيَامٌ مَعَ الْخُضُوعِ اَوْلٰى وَ اَحَبُّ " انتهى

رساله سوال و جواب

۶- قبله اهل بهاء روضه مبارکه (نزدیک قصر بهجی در بیرون شهر عکا) است که در آن مکان مقدس هیکل عنصری جمال اقدس ابهیی استقرار یافته است .

۷- در مورد نمازیکه فوت شده باید ابتدا برای هر نماز سجده نموده و در حالت سجود آیه مبارکه :

" سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي الْعَظَمَةِ وَ الْاِجْلَالِ وَ الْمَوْهَبَةِ وَ الْاِفْضَالِ "

را ذکر کرد (ذکر سُبْحَانَ اللّٰهِ برای اشخاص ناتوان کافی است) و سپس به هیکل توحید (چهار زانو) نشسته و هجده

مرتبه آیه مبارکه :

" سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ " را تلاوت نمود .

و اگر چند نماز فوت شده باشد نماز گزار باید بجای هر نماز یکبار سجده نموده و در پایان سجده آخر هجده مرتبه آیه مبارکه " سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ " را ذکر نماید .

۸- اقامه نماز بصورت دسته جمعی و گروهی به استثناء نماز میت جائز نیست . در کتاب اقدس میفرمایند:

" كَتَبَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةَ فَرَادَى قَدْ رَفَعَ حُكْمَ الْجَمَاعَةِ إِلَّا فِي

صَلَاةِ الْمَيِّتِ إِنَّهُ لَمِنْ أَمْرِ الْحَكِيمِ "

مضمون بیان مبارک چنین است : " اقامه نماز بصورت فردی بر شما واجب گردیده و حکم نماز جماعت مگر در نماز میت جائز نمیباشد . "

فصل دوم : روزه

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" يَا قَلَمُ اَعْلَى قُلْ يَا مَلَاَءِ الْاِنْشَاءِ قَدْ كَتَبْنَا عَلَيْكُمْ

الصِّيَامَ اَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ . "

مضمون بیان مبارک چنین است : " ای قلم اعلیٰ، بگو ای اهل عالم، ما روزه را در ایام معین برای شما مقرر داشتیم " انتهى

در خصوص روزه باید به نکات زیر توجه داشت :

۱- موعد روزه شهرالعلاء آخرین ماه سال بدیع یعنی ۱۹ روز به عید نوروز مانده میباشد که پس از ایسام هاء آغاز میشود .

۲- حد روزه در این دور از طلوع تا غروب آفتاب است و در این فاصله صائم باید از خوردن و نوشیدن مطلقاً پرهیز نماید و از ارتکاب اعمال ناپسند خویشتن را دور نگاه دارد .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند : " ای سائل، صوم عبارت از کف نفس است از جمیع مأكولات و مشروبات ، دخان از جمله مشروبات است و انسان نباید لسان را به کلمات فظیحه بیالاید " صفحه ۴۵ گنجینه حدود و احکام

۳- در مورد نفوسی که از روزه گرفتن معافند مضمون آیه مبارک در کتاب اقدس چنین است : " بر مسافر و مریض و زن حامله و زن شیرده روزه نگرفتن گناهی نمیباشد و خداوند به صرف فضل آنها را از روزه گرفتن معاف نموده است " آیه ۴۴

در مورد افرادی که در ماه صیام بکارهای سخت و پر زحمت اشتغال دارند در رساله سؤال و جواب نازل :

"صیام نفوس مذکوره عفو شده ولکن در آن ایام قناعت و ستر، لِأَجْلِ احْتِرَامِ حُكْمِ اللَّهِ و مقام صوم اولی و اَحَبَّ"

و نیز کسانی که در اثر امراض، ضعف و ناتوانی دارند یا سن آنها از هفتاد گذشته از روزه گرفتن معافند .

۴- در باره مسافر سواره و پیاده و تعیین حد سفر : حد سفر برای سواره ۹ ساعت و برای پیاده ۲ ساعت است و اگر بیشتر شود از روزه معاف است ضمناً اگر مسافری در جایی توقف کند و معلوم باشد که ۱۹ روز آنجا میماند باید روزه بگیرد و اگر کمتر از این مدت بماند روزه بر او نیست و اگر در بین ماه صیام به مکانی برسد و ۱۹ روز بماند سه روز معاف است و بعد از آن روزه میگیرد ولی اگر به شهر محل اقامت دائم خود برسد همان روز اول ورودش، روزه بر وی واجب است .

برحسب بیان حضرت ولی امرالله مسافرین گرچه از فریضه صوم معافند ولی مختارند که اگر بخواهند صائم گردند و این معافیت شامل تمام طول مدت سفر است نه فقط ساعاتی که شخص مسافر در قطار راه آهن یا اتومبیل و غیره میگذراند .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۲۵

۵- اگر عید مبعث و مولود با ایام صیام تقارن یابد احباء از روزه معافند . در رساله سؤال و جواب نازل : " اگر عید مولود و یا مبعث در ایام صیام واقع شود حکم صوم در آن یوم مَرْتَفَع است " انتهای

فصل سوم : حج بیت

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

«قَدْ حَكَّمَ اللَّهُ لِمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ حَجَّ الْبَيْتِ دُونَ النَّسَاءِ

عَفَى اللَّهُ عَنْهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ الْمُعْطَى الْوَهَّابُ»

مضمون بیان مبارک چنین است :

"خداوند برای آنها تیکه استطاعت دارند غیر از زنان حج بیت را مقرر فرموده است حق تعالی به صرف رحمت خود زنان را از انجام این فریضه عفو فرموده است " انتهى

به نص قاطع الهی محل حج ، بیت اعظم در بغداد و بیت حضرت اعلی در شیراز است و تشریف به یکی از این دو مکان مقدس به نیت انجام فریضه حج و اجرای اعمال آن که از قلم اعلی در سوره حج و آثار مبارکه دیگر نازل شده جهت ادای وظیفه شرعی کافی است .

فصل چهارم : کسب و کار

جمالقدم در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"يَا أَهْلَ الْبَيْتِ قَدْ وَجِبَ عَلَيَّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ الْإِسْتِغْنَالُ بِأَمْرِ

مِنَ الْأُمُورِ مِنَ الصَّنَائِعِ وَالْإِقْتِرَابِ وَأَمْثَالِهَا وَجَعَلْنَا

أَسْتِغْنَالَكُمْ بِهَا نَفْسَ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ الْحَقِّ تَفَكَّرُوا يَا قَوْمُ

فِي رَحْمَةِ اللَّهِ وَالطَّافِيهِ ثُمَّ أَشْكُرُوهُ فِي الْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ "

مضمون آیه مبارکه فوق چنین است : " ای اهل بها" بر هر یک از شما اشتغال به امری از امور از صنایع و کسب و کار و امثال آن واجب شده است و ما اشتغال شما را نفس پرستش حق تعالی مقرر داشته‌ایم. " انتهی

حضرت مولی‌الوری میفرمایند :

"جمعی الان در این جهانند و به ظاهر و باطن سرگشته و پریشان و مهمل و معطل و بارِ گران بر سایر ناس ، به صنعتی مشغول نشوند و به کار و کسبی مالوف نگردند و خود را از آزادگان شمردند ... این گونه نفوس مهمله البته مقبول نه، زیرا هر نفسی باید کار و کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانند علتِ کابوس مستولی گردد ."

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" کار علی‌الخصوص وقتی بانیت خدمت همراه باشد به موجب تعالیم حضرت به‌الله نوعی عبادت است "

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۴۵

حضرت عبدالبهّا میفرمایند :

"بر رجال و نسا واجب شده که به کسب و حرفه‌ای اشتغال ورزند "

در خصوص حکم لزوم کنار از بیت العدل اعظم سؤال شده است که آیا علاوه بر شوهر ، همسر او نیز مُلْزَم است برای امرار معاش به کاری مشغول شود ؟ در جواب چنین توضیح داده‌اند که به موجب امر حضرت به‌الله احبا باید به کاری اشتغال ورزند که نفعش متوجه خود آن نفوس و سایرین گردد و اداره منزل و تأمین صفای خانواده از کارهای بسیار محترم و پر مسئولیتی است که اهمیت اساسی برای جامعه دارد .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۴۶

فصل پنجم : طهارت و پاکی

در کتاب مستطاب اقدس نازل :

" تَمَسُّوْا بِاللِّطَافَةِ فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ لِئَلَّا تَتَعَ الْعَيُّوْنَ عَلٰی

مَا تَكْرِهَهُ اَنْفُسُكُمْ وَ اَهْلَ الْفِرْدَوْسِ وَ الَّذِي تَجَاوَزَ عَنْهَا

يَحْبِطُ عَمَلُهُ فِي الْحَبْنِ وَ اِنْ كَانَ لَهُ عَذْرٌ يَعْفُ اللهُ عَنْهُ

اِنَّهُ لَهُو الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ . "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" در همه حال به پاکیزگی و لطافت تمسک نمایند که مبادا چیزهایی را مشاهده کنید که شما و اهل فردوس اعلی از آن کراهت دارند . کسیکه از لطافت و پاکیزگی برخوردار نباشد اعمالش (مثل نماز و دعا خواندن) بی اثر و نتیجه خواهد بود اما در صورتیکه عذر موجهی برای او باشد مورد عفو و بخشش الهی قرار خواهد گرفت . "

حضرت عبدالبهّا مبین آیات الهی میفرمایند :

" از جمله شئون جسمانی که تعلق و تاثیر در مراتب روحانی دارد نظافت و لطافت و طهارت است . " انتهی
صفحه ۷۸ گنجینه حدود و احکام

به چند فقره از احکام و واجبات شرعی که در باره نظافت و پاکیزگی نازل شده و اهل بها ملزم و مکلف به انجام فرائض مذکور میباشند ذیلاً اشاره میگردد:

۱- پوشاک و لباس اهل بها در حین مناجات و دعا باید پاک بوده و آلوده به کثافات و اوساخ نباشد زیرا دعای آنان در چنین شرایطی به اجابت حق فائز نمیشود و اهل ملاءاعلی از چنین نفوسی اجتناب مینمایند .

۲- استعمال آب آلوده و ناپاک جائز نیست و آب بکر که خواص سه گانه آن یعنی طعم و رنگ و بوی آن تغییر نکرده و بر فطرت اصلیه خود بنوده باشد باید مورد استفاده قرار گیرد .

۳- استحمام باید با آب دست نخورده و پاک صورت گیرد .

۴- گرفتن و کوتاه کردن ناخنها و استحمام و شستشوی بدن لااقل هر هفته یکبار واجب است .

۵- شستشوی پاها در تابستان هر روز و در زمستان هر سه روز یکبار واجب و همچنین استعمال عطر و کلاب امری ممدوح و مقبول و پسندیده است .

فصل ششم : تربیت و تعلیم

لسان عظمت در ام‌الکتاب آیین بهائی میفرماید :

" كَتَبَ عَلَيَّ كُلِّ ابٍ تَرْبِيَةَ ابْنِهِ وَ بِنْتِهِ بِالْعِلْمِ وَ الْخَطِّ وَ
دُونِهِمَا عَمَّا حُدِّدَ فِي اللُّوحِ وَ الَّذِي تَرَكَ مَا أَمَرَ بِهِ فَلِلْمَنَاءِ
أَنْ يَأْخُذُوا مِنْهُ مَا يَكُونُ لَزِمًا لِتَرْبِيَتِهِمَا إِنْ كَانَ غَنِيًّا وَ
إِلَّا يَرْجِعْ إِلَى بَيْتِ الْعَدْلِ إِنَّا جَعَلْنَاهُ مَأْوَى الْفُقَرَاءِ وَ
الْمَسَاكِينِ . "

مضمون بیان مبارک چنین است : " بر هر پدری فرض و واجب گردیده که پسر و دختر خود را به علم و خط و به آنچه که در الواح نازل شده تربیت نماید اگر پدری در آنچه که به آن مأمور گردیده اهمال ورزد باید امنای الهی مخارج تعلیم و تربیت را از او اخذ نموده و به این امر اقدام کنند و اگر والد استطاعت مالی نداشته باشد تعلیم و تربیت فرزندان وی بر عهده بیت‌العدل است که ما آنرا پناهگاه فقرا و مستمندان قرار داده ایم .

حضرت به‌الله جلُّ اسمه تربیت را وسیله اعظم از برای حفظ اهل عالم و هدایت امم به شاهراه ترقی و کمال توصیف فرموده و نفس مقدس خویش را مربی عالم انسانی معرفی نموده اند .

در این آئین یزدانی آداب و اخلاق و سجایای روحانی را مقامی برتر و قدر و منزلتی بیشتر از علوم و کمالات ظاهری عنایت شده و اهمیت آن به قدری مورد توجه و مطمح نظر حق سبحانه و تعالی بوده که میفرمایند اگر والد در این امر اعظم که از قلم مالک قدم در کتاب مستطاب اقدس نازل شده غفلت نماید حق پدری ساقط شود و کدی الله از مقصرین محسوب .

مفحه ۸۸ گنجینه حدود و احکام

در باره تقدم تربیت بر تعلیم میفرمایند : " تربیت و آداب اعظم از تحصیل علوم است طفل طیب طاهر و خوش طینت و خوش اخلاق ولو جاهل باشد بهتر از طفل بی ادب کثیف ، بد اخلاق ولو در جمیع فنون ماهر گردد زیرا طفل خوش رفتار نافع است و لو جاهل و طفل بد اخلاق فاسد و مضر است و لو عالم ، ولی اگر علم و ادب هر دو بیاموزد نور علی نور گردد . " انتهى

مفحه ۸۷ گنجینه حدود و احکام

شکی نیست که علوم متداوله عصر علی الخصوص علوم نافع و مترقی که کلید کشف اسرار طبیعت است و ضامن خیر و سعادت بندگانش بفرموده حضرت عبدالبها اعظم منقبت عالم انسانی و مدار برتری و امتیاز وی از حیوان است .

از قلم مرکز میثاق در لوح دکتر فورال نازل :
" ما علم و حکمت را اساس ترقی عالم انسانی میدانیم
و فلاسفه وسیع النظر را ستایش مینمائیم . "

نکته دیگر آنکه در دیانت بهایی تعلیم و تربیت دختران
أَرْجَحُ و أَلْکُمُ از تربیت پسران است :
حضرت عبدالیها در آثار مبارکه توجه والدین را به
مسئولیتِ خطیرشان در امر تعلیم و تربیت اولاد معطوف
و نیز تصریح میفرمایند که تربیت و تعلیم دختران اعظم
و أهم از پسران است ، زیرا این دختران وقتی مادران
گردند و اولِ مربی اطفال اُمّهاتند بنابراین در صورتی که
در خانواده‌ای امر تعلیم و تربیت برای کلیه اولاد میسر
نباشد تربیت دختران ارجح است زیرا با تعلیم
و تربیت مادر فوائد علم و دانش در جامعه سریعتر و
مؤثرتر رواج مییابد .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۵۷

فصل هفتم : حقوق الله

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی : " وَالَّذِي تَمْلِكُ مَادَّةُ
مِثْقَالٍ مِنَ الذَّهَبِ فِتْسَعَةَ عَشْرَ مِثْقَالًا لِلَّهِ فَاِطِرِ الْاَرْضِ وَ
السَّمَاءِ اِيَّاكُمْ يَا قَوْمُ اَنْ تَمْنَعُوا اَنْفُسَكُمْ عَنْ هَذَا الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ قَدْ اَمَرْنَاكُمْ بِهَذَا بَعْدَ اِذْ كُنَّا غَنِيًّا عَنْكُمْ وَ عَنْ كُلِّ
مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِينَ . "

مضمون بیان مبارک چنین است : " کسیکه صد مثقال طلا
دارا شود نوزده مثقال آن ، از آن پروردگار عالمیان
است ، ای بندگان، مبادا خود را از این فضل اعظم باز
دارید ما شما را به ادای حقوق الله امر کرده ایم درحالی
که از شما و آنچه در جهان است بی نیازیم . "

در باره حقوق الله باید به نکات زیر توجه کرد :

۱- هر گاه پول نقد و یا قیمت اموال و دارائی شخصی
معادل بهای نوزده مثقال طلا گردد پس از کسر مخارج
سالیانه باید صدی نوزده آن را به عنوان حقوق الله به
مرجع امر بپردازد .

۲- بر اموال و وجوه نقدی که حقوق آن یکبار پرداخت
شده حقی تعلق نمیگیرد مگر آنکه منافع حاصله از معامله

و تجارت بر آن اضافه شود و به حد نصاب مجدد برسد یا اینکه مال و وجه نقد مورد بحث عیناً به شخص دیگری انتقال یابد که در این صورت حکم حقوق بر آن شمول خواهد یافت .

۳- اگر شخصی مبلغی وجه نقد داشته باشد و حقوق آن را داده باشد و این مبلغ در اثر ضرر و زیان ناشیه از کسب و تجارت کاهش یابد یا کلاً از بین برود ولی بعدها در نتیجه فعالیت و رونق در داد و ستد مبلغ مذکور عیناً تحمیل شود دیگر حقوق به آن تعلق نمیگیرد و از پرداخت حقوق معاف است .

۴- بیت مسکون و اسباب آن که از احتیاجات ضروری هر فردی است همچنین لوازم کسب و معیشت مشمول حقوق الله نمیشد این معافیت شامل اسباب محل کسب و تجارت و آلات و ادوات زراعت حتی حیواناتی که برای امر کشاورزی و فلاحت مورد نیاز است میباشد .

۵- مطالبه و تکلیف اجبا بر ادای حقوق جائز نیست هر نفسی باید به شخصه حقوق متعلقه بمایملک خویش را در کمال صداقت محاسبه نموده و به میل و رغبت پرداخت نماید ، از قلم اعلی در این باره نازل : " ادای حقوق بر کل فرض است و حکمش از قلم اعلی در کتاب نازل و ثابت ، ولیکن اظهار و اصرار ابداً جائز نه ، هر نفسی موفق شود بر ادای آن و به روح و ریحان برساند مقبول است و
الْأَفْلَأُ " انتهى

صفحه ۱۰۶ گنجینه حدود و احکام

بیت العدل اعظم الہی در یادداشتها و توضیحات کتاب
اقدس صفحہ ۱۸۸ میفرمایند :
" اهمیت فریضہ حقوق اللہ را میتوان بہ جامعہ بہائی
تذکر داد ولی هیچکس حق ندارد از افراد مطالبہ حقوق
نماید . "

۶- دخل و تصرف در وجوہی کہ تحت عنوان حقوق اللہ
تقدیم میگردد ، بدون اذن و اجازہ مرجع امر کہ در این
ایام بہ نصّ قاطع ربّانی بیت العدل اعظم الہی است
جایز نمیباشد .
ضمناً عایدات این صندوق بہ مصرف ترویج امر اللہ و
تأمین مصارف امریہ و اعمال خیریہ و منافع عمومیہ
میرسد .

۷- خانہ مسکونی و البسۃ مخصوصہ و اثاث بیت کہ از
طریق ارث بسورثہ انتقال پیدا میکند از تأدیہ حقوق
معافند . حضرت ولی امر اللہ ۳ شہرالمشیہ ۹۹

فصل هشتم : تشییع و دفن اموات

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" وَ إِنْ تَكْفَنُوهُ فِيْ خَمْسَةِ أَشْوَاطٍ مِنْ الْحَرِيرِ أَوْ الْقَطَنِ مِنْ

لَمْ يَسْتَطِعْ يَكْفِيْ بِوَاحِدَةٍ مِنْهَا كَذَاكَ قُضِيَ الْأَمْرُ مِنْ لَدُنْ

عَلِيمٍ خَبِيرٍ "

مضمون بیان مبارک چنین است : " میت را در پنج پارچه از حریر یا پنبه بپوشانید و در صورت عدم استطاعت یک پارچه از آن دو کافی است . " انتهى

در مورد کفن و دفن به نکات زیر باید توجه کرد :

۱- مقصود از پنج ثوب پنج پارچه سرتاسری روی هم نیست بلکه کفن پنج پارچه است .

۲- چنانچه میت کبیر باشد در دست او انگشتری باید کرد که در روی آن آیه مبارکه زیر نقش شده باشد :

" قَدْ بُدِئْتُ مِنَ اللَّهِ وَ رَجَعْتُ إِلَيْهِ مُنْقَطِعًا عَمَّا سِوَاهُ وَ

مُتَمَسِّكًا بِأَسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . "

۳- ملوۀ میت پس از غسل و کفن جنازه بصورت جماعت و ایستاده رو به قبله اقامه میشود و شامل مناجاتی از جمال مبارک و تلاوت ۱۹ مرتبه شش تکبیر است

اگر در محلی شخص باسواد بیافت نشود قرائت مناجات
قبل از تکبیرات عفو شده است .

۴- اجساد مُتَمَاعِدین قبل از دفن در صندوقهایی از بلور
یا سنگ یا سیمان یا چوبهای محکم و ظریف جای داده
شده و سپس به خاک سپرده میشود .

حضرت ولی‌امرالله میفرمایند :

" این حکم، مُبَیِّنِ این نکته است که جسد انسان چون زمانی
محل تَجَلُّی روح ابدی انسانی بوده شایان احترام است . "

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۰۴

۵- طبق نص مبارک صلوة میّت و انگشتی مخصوص کِبار
است و برای خردسالان و صِغار نماز و انگشتی لازم نیست .

۶- محل دفن میّت تا شهری که فوت در آن اتفاق افتاده
نباید از یک ساعت مسافت تجاوز نماید .

حضرت عبدالبهّا و حضرت ولی‌امرالله تأکید فرموده‌اند
که این احکام دال بر آن است که سوزاندن اموات جائز
نیست .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۰۴

فصل نهم : ازدواج

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" تَزُوجُوا يَا قَوْمِ لِيُظَهَرِ مِنْكُمْ مَنْ يَذُكُرُنِي بَيْنَ عِبَادِي هَذَا
مِنْ أَمْرِي عَلَيْكُمْ اتَّخَذُوهُ لِأَنفُسِكُمْ مَعِينًا "

مضمون آیه شریفه فوق به فارسی چنین است :

" ازدواج نمائید ای مردم تا ظاهر شوند از شما نفوسی
که به ذکر و عبادت حق در بین خلق پردازند ، این امر
من بر شما است آنرا برای خود یاری دهنده قرار دهید . "

در امر بهائی ازدواج تنها ارتباط جسمانی و موقت در
این جهان فانی نیست ، بلکه یک رابطه معنوی و پیوند
مقدس دائمی میان زن و شوهر است .

زناشویی در دیانت بهائی ساده و از تشریفات و شرایط
سنگین معمول و متداول امروزه بدور است . قسمتی از
تعالیم و احکام نکاح ذیلاً درج میگردد :

۱- در دیانت بهائی ازدواج از مندوبات است یعنی
امری مستحب و ممدوح و پسندیده بوده ولی از واجبات
احکام بشمار نمیرود .

۲- وطنت زناشویی اهل بها با پیروان کلیه ادیان و
مذاهب و طوایف عالم آزاد و بیامانگ است بشرط آنکه
شرایط ازدواج بهائی به دقت مراعات شود .

۳- پس از تراضی طرفین، رضایت ابویین آنها شرط اصلی انجام مراسم ازدواج در امر بهائیتی است و بدون حصول این توافق عقد صورت نمیگیرد این حکم در مواردی که یکی از دو طرف بهائیتی نباشد نیز لازم الاجرا است .

۴- نامزد کردن دختران و پسران قبل از ورود به سن شرعی در امر مبارک حرام است همچنین وقتی تمامی شرایط شامل رضایت طرفین و ابویین ایشان تحقق یافت و این امر بطور جدی و رسمی در بین اقربا و خویشاوندان اعلان گردید باید بفاصله نود و پنج روز ازدواج انجام گیرد .

حضرت عبد البها میفرمایند : " چون طرفین و ابویین راضی شدند و اقتران تقرّر یافت باید بعد از نود و پنج روز حکم زفاف واقع گردد تاخیر نشود . "

صفحه ۱۶۶ گنجینه حدود و احکام

۵- داماد شدن در امر مبارک با تسلیم مهر از طرف زوج به زوجه تحقق مییابد میزان مهر برای ساکنین شهرها از یک تا پنج واحد طلا و برای قُراء و قصبات از یک تا پنج واحد نقره است (ملاک تعیین مهر از نظر طلا و نقره اقامت زوج در شهر یا قریه است و سکونت زوجه در هر کجا باشد تأثیری در این امر ندارد .)

طبق نصوص مبارکه الهیه در مهر قناعت به درجه اولی اَحَبُّ است ، یعنی تسلیم یک واحد (نوزده مثقال) نقره چه در شهرها و چه در قصبات در صورت توافق طرفین مقبول ساحت حق و درگاه الهی است .

راجع به مهر ذَهَب در مُدُن فرمودند در کتاب اقدس میفرمایند قناعت بدرجه اولی یعنی ۱۹ مثقال نقره اَحْسَن و اولی لهذا محدود نمودن مهر به ذَهَب در مُدُن جایز نه توفیق میرزا اسدالله فاضل مازندرانی

۶- عقد طبق مندرجات قباله نِكَاح که از طرف محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران تنظیم و مورد تصویب حضرت ولی‌امرالله واقع شده انجام میگیرد و شامل خطبه عقد یک مناجات و آیتین (اِنَا كُلُّ لَیْلَةٍ رَاضُوْنَ) و (اِنَا كُلُّ لَیْلَةٍ رَاضِیَاتٌ) است که زوج و زوجه در محضر شهود با خواندن آیات فوق رضایت خود را اعلام میدارند و در پایان قباله ، محلی برای امضا شهود و تصدیق محفل روحانی در نظر گرفته شده است .

۷- ازدواج با دو زن در زمان واحد مستلزم اجرای عدالت و مشروط به شرط محال است و صریحاً در امر مبارک نهی شده است .

۸- فاصله بین زوج و زوجه از نظر خویشی و قرابت هر چه دورتر ، نسل قویتر و سلامت و سعادت افراد محکم و استوارتر خواهد بود .

حضرت عبدالبها میفرمایند :

"اقتران هر چه دورتر موافقتر ، زیرا بعد نسبت و خویشی بین زوج و زوجه مدار صحت بنیه بشر و اسباب الفت بین نوع انسانی است ."

صفحه ۱۸۵ گنجینه حدود و احکام

فصل دهم : ذکر ۹۵ مرتبه الله ابهی

هر فرد مؤمن و مُتَمَسِّک به احکام الهی مَوْظَف است هر روز دست و صورت خود را شسته و رو به قبله بنشیند و ۹۵ مرتبه الله ابهی بگوید . انجام این فریضه با وضوی نماز جایز است و نیازی به شستن مجدد دست و صورت ندارد . کتاب اقدس .

بیت العدل اعظم الهی در مکتوب مورخ ۹۱/۶/۱۷ خود میفرمایند :

" بجهت ظهور مَحَبَّتِ اللّٰه و حُصُولِ انجذاب وِجدانی و حیات روحانی تعالیم مبارکه‌ای در آثار بهائی عَزَّ نَزُول یافته که باید اطاعت و مجری گردد . از آن جمله است اقامهٔ صلاهٔ یومیّه ، تلاوت آیات در صبح و شام ، ذکر الله ابهی به تعداد ۹۵ مرتبه در شبانه روز ، شرکت در ضیافات ۱۹ روزه ، تبلیغ امرالله ، مطالعهٔ مُستمر آیات و الواح الهیه و بالاخره کوشش مداوم در خدمت بامر الهی بطرق و وسائل ممکنه که خود فی حد ذاته از اعظم وسائل ترقی و تعالی حیات روحانی اهل بها محسوب میگردد .

فصل یازدهم : زکات

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ كُتِبَ عَلَيْكُمْ تَزْكِيَةُ الْأَقْوَاتِ وَمَادُونَهَا بِالزُّكُوفِ هَذَا

مَا حَكَمَ بِهِ مُنَزَّلُ الْآيَاتِ فِيهِذَا الرُّقِ الْمُنِيْعِ "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" بر شما واجب و مقرر گردید که خوراکیها و غیر آن را

با دادن زکوة پاک گردانید . "

در رساله سؤال و جواب نازل :

" در باره زکوة هم امر نمودیم کَمَا نُزِّلَ فِي الْفُرْقَانِ عمل

نمایند . "

زکات بر میوه‌هایی که برای خوردن عمل آورده باشند و
بر میوه‌های دیگر (انگور و خرما) شتر، گاو، بز، گوسفند و
حیوانات اهلی و زر و سیم و مالُ التَّجَارَةِ تَعْلَقُ میگیرد.

فرهنگ معین

" نظر به اینکه حدّ معافیت و نوع عایدات و موعد اداء

زکات و حد نصاب در موارد مختلفه هیچیک در قرآن مجید

ذکر نشده است لهذا اتخاذ تصمیم در این مسائل منوط به

قرار بیت العدل اعظم در آینده است و تا آن زمان به

فرموده حضرت ولی امرالله باید اجابت در خور توانایی و

مقدورات خویش مرتباً به صندوقهای امری تبرّع نمایند .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۱۴

فصل دوازدهم : تلاوت آیات در هر صبح و شام

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" اَتْلُوا آيَاتِ اللّٰهِ فِكُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ اِنَّ الَّذِي لَمْ يَتْلُ

لَمْ يُوْفِ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَ مِيثَاقِهِ ... "

مضمون آیه مبارک فوق چنین است :

" آیات الهی را در هر صبح و شام تلاوت نماشید هر کس
تلاوت نکند به عهد و میثاق خداوند وفا نکرده است . "

در تبیین این مقام در رساله سؤال و جواب میفرمایند :

" مقصود، جميع ما نزل من ملكوت البیان است شرط اعظم
میل و محببت نفوس مقدسه است به تلاوت آیات اگر یک
کلمه به روح و ریحان تلاوت شود بهتر است از قرائت
کتاب متعدده . "

حضرت ولی امرالله در توضیح کلمه آیات میفرمایند که
آنچه از کَلِمَک میثاق صادره از آیات محسوب نیست و
همچنین تذکر داده اند که آثار قلمیه خود آن حضرت را
نیز نباید از آیات دانست .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۱۶

فصل سیزدهم : ضیافت نوزده روزه

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ رَقِمَ عَلَيْكُمْ الضِّيَافَةَ فَيُكَلِّ شَهْرٍ مَرَّةً وَاحِدَةً وَلَوْ بِالْمَاءِ

إِنَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يُوَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَ لَوْ بِأَسْبَابِ

السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ . "

مضمون آیه مبارکه چنین است :

" بر پا داشتن ضیافت در هر ماه یکبار برای شما مقرر شده است ، اراده حق بر این است که بین قلوب بندگانش الفت و محبت برقرار نماید . "

انعقاد جلسات ضیافت ۱۹ روزه مبنی بر این حکم مبارک است در کتاب بیان عربی حضرت اعلیٰ به مؤمنین دور بیان امر فرموده بودند که هر ۱۹ روز یکبار مجتمع گردند و برای اظهار محبت و مهمان‌نوازی ضیافتی ترتیب دهند حضرت بهاالله این حکم را تأیید و مقصد از آن را ترویج اتحاد و تألیف قلوب مقرر داشته‌اند حضرت عبدالبها و حضرت ولی امرالله اهمیت تشکیلاتی این حکم را به تدریج تبیین و تشریح فرموده‌اند در ابتدا حضرت عبدالبها اهمیت جنبه‌های روحانی و معنوی ضیافت را بیان فرموده سپس حضرت ولی امرالله علاوه بر تشریح جنبه‌های روحانی و اجتماعی ، قسمت اداری ضیافت را

اضافه فرموده آن را تحت نظامی خاص در آورده و لزوم
مشاوره در امور جامعه و ابلاغ اخبار و بشارات و
پیامهای مؤسسات امریه را در جلسات ضیافات تأکید
فرموده اند .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۶۱

در رساله سؤال و جواب از جواب این حکم استفسار شده
میفرمایند قَوْلُهُ تَعَالَى : واجب نه . انتهى

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

شرکت در ضیافات ۱۹ روزه واجب نیست ولی بسیار
اهمیت دارد هر یک از یاران باید حضور در این جلسات
را از وظایف خود دانسته و شرکت در آن را موهبتی به
شمار آرد .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۶۱

فصل چهاردهم : مشرق الاذکار

جمالقدم در ام الكتاب به این بیان اَحلی ناطق :

" طوبى لِمَنْ تَوَجَّهَ إِلَى مَشْرِقِ الْاَذْكَارِ فِي الْاَسْحَارِ ذَاكِرًا

مَتَذَكِّرًا مُسْتَغْفِرًا وَ اِذَا دَخَلَ يَقَعِدُ صَامِتًا لِاصْفَاءِ آيَاتِ اللّٰهِ

الْمَلِكِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ . "

مضمون آیه شریفه چنین است :

" خوشا به حال نفسیکه در سحرگاهان بنا حالت تذکر و

استغفار به مشرق الاذکار توجه نماید و وقتی که وارد شد

از برای شنیدن آیات خداوند ساکت و آرام بنشیند . "

در باره توجه به مشرق الاذکار در اسحار حضرت بها الله

میفرمایند : اگر چه در کتاب الهی ذکر اسحار شده و لکن

در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر السی طلوع

آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدى الله مقبول است

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۰۰

فصل پانزدهم : موسیقی و شنیدن اصوات

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالى :

" اِنَّا خَلَقْنَا لَكُمْ اِصْغَا' اَلْاَصْوَاتِ وَاَلنَّغْمَاتِ اِيَّاكُمْ اَنْ

يَخْرِجَكُمْ اِلْاِصْغَا' عَنْ شَأْنِ الْاَدْبِ وَاَلْوَقَارِ اِفْرَحُوا بِفَرْحِ اِسْمِي

الْاَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوَلَّيْتِ الْاَقْبِدَةَ وَاَنْجَذَبْتِ عَقُولَ الْمُقْرِبِينَ

اِنَا جَعَلْنَاهُ مِرْقَاهُ لِعُرُوجِ الْاَرْوَاحِ اِلَى الْاَفْقِ الْاَعْلَى لَا تَجْعَلُوهُ

جَنَاحَ النَّفْسِ وَاَلْهَوَى اِنِّي اَعُوذُ اِنْ تَكُونُوا مِنْ الْجَاهِلِينَ "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" شنیدن نغمه‌ها و نواها را برای شما حلال کردیم زنهار
از اینکه شنیدن آن شما را از شأن ادب و وقار خارج
کند به فرح اسم اعظم که محیر قلوب و جاذب عقول
مقربان درگاه الهی است سرور و شادمانی کنید ما اصوات
و نغمات را نردبان ارتقا' ارواح آدمیان به افق اعلی
قرار داده‌ایم مبادا آن را بالهای نفس و هوی سازید و
در زمره نادانان بشمار آئید . "

حضرت عبدالبهّا میفرمایند :

" آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است "

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۵۹

فصل شانزدهم : احترام ایام محرمه

حضرت عبدالبهّا جَلَّ شَأْنُهُ میفرمایند قَوْلُهُ الْعَزِيزُ :

" در ایام سنه، نه روز اشتغال به شغلی فی الحقیقه جائز نه. بعضی نصوص الهیه و بعضی قیاس به آن یوم اوّل و ثانی محرم سه روز عید رضوان یوم هفتم نوروز و یوم نیروز و یوم بیست و هشتم شعبان و یوم پنجم جمادی الاولی این نه روز اشتغال به کسب و تجارت و صناعت و زراعت جایزه و همچنین اجرای مقتضای مناصب و وظایف یعنی اجرای خدمت حکومت و عَلَیْكَ الْبَهَّا الْاَبَهِي . " عع صفحه ۳۵۶ گنجینه حدود و احکام

منظور مبارک از سه روز عید رضوان یوم اوّل و نهم و دوازدهم آن است .

حضرت عبدالبهّا میفرمایند :

" در حق چوپان در ایام ممنوعه از کار در عید رضوان سخت گرفته نشده است بجهت این است که ظلم به حیوان است . " صفحه ۳۵۹ گنجینه حدود و احکام

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" و اما محافل و لجنات و دواثر امریه در ایام اعیاد و مصیبات تعطیل آنها احسن و اولی و ولی قرار قطعی و نهائی در این خصوص راجع به بیت العدل عمومی است " صفحه ۳۵۸ گنجینه حدود و احکام

فصل هفدهم : رعایت حال حیوان

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" لَا تَحْمِلُوا عَلَى الْحَيَّوانِ مَا يُعْجِزُ عَنْ حَمْلِهِ إِنَّا نَهَيْنَاكُمْ
عَنْ ذَلِكَ نَهْيًا عَظِيمًا فِي الْكِتَابِ كُونُوا مَظَاهِرَ الْعَدْلِ وَ
الْإِنصَافِ بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ "

مضمون آیه مبارک چنین است : " بر حیوان بارِ کران که
خارج از توانائی آن باشد حمل نکنید خداوند بندگان خود
را از ظلم به حیوان نهی و به رعایت اصول عدل و انصاف
امر فرموده است . "

حضرت عبدالبهّا^ر جل شانه در لوحی میفرمایند :

حیوان نظیر انسان در نزد اهل حقیقت بسیار عزیز است
لهذا انسان باید به انسان و حیوان هر دو مهربان باشد
و به قدر امکان در راحت و محافظت حیوان بکوشد .

صفحه ۴۳۹ گنجینه حدود و احکام

فصل هجدهم : اطاعت از حکومت

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالى :

" لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَعْتَرِضَ عَلَى الَّذِينَ يَحْكُمُونَ عَلَى الْعِبَادِ
دَعْوَاهُمْ مَا عِنْدَهُمْ وَتَوَجَّهُوا إِلَى الْقُلُوبِ . "

مضمون آیه مبارک چنین است : "شایسته و سزاوار نیست
که نفسی بر اولیای حکومت اعتراض کند آنچه از ایشان
است به آنها واگذارید و خود به قلوب توجه ننمایید ."

حضرت عبدالبهّا میفرمایند :

" احبای الهی را کاری به اختلاف و اتفاق اولیای امور
نه، ابدأً چنین اذکار را حتی بر زبان نباید برانند
تکلیف احبای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلی حضرت
پادشاهی است آنچه امر فرماید اطاعت کنند و همچنین
کمال تمکین و انقیاد به جمیع اولیای امور داشته باشند
ولی در بین آنان اگر برودتی حاصل چه تعلق به احبای
الهی دارد ... مقصود این است که احبای نباید کلمه از
امور سیاسی بر زبان رانند زیرا تعلق به ایشان ندارد
بلکه به امور و خدمات خویش مشغول شوند و پس در
فکر آن باشند که به خدا نزدیک شوند و به رضای الهی
قیام نمایند و سبب راحت و آسایش و سرور و شادمانی
عالم انسانی گردند . "

صفحه ۳۳۵ گنجینه حدود و احکام

فصل نوزدهم : معاشرت با اهل ادیان

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

"عَاشِرُوا مَعَ الْأَدْيَانِ بِالرُّوحِ وَ الرِّيحَانِ لِيَجِدُوا مِنْكُمْ عَرَفَ
الرَّحْمَنِ أَيُّكُمْ أَنْ تَأْخُذَكُمْ حُمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ بَيْنَ الْبَرِيَّةِ كُلِّ
بُدْءٍ مِنَ اللَّهِ وَ يَعُودُ إِلَيْهِ إِنَّهُ لَمُبْدِئُ الْخَلْقِ وَ مُرْجِعُ
الْعَالَمِينَ ."

مضمون آیه مبارک چنین است :

" با پیروان ادیان به روح و ریحان معاشرت کنید تا
بوی خوش رحمان از شما استشمام نمایند مبادا استعصبات
جاهلیه شما را از این امر باز دارد هستی بخش کل خدا
بوده و بازگشت کل بسوی اوست، اوست آغاز آفرینش و
انجام آن ."

حضرت بهاء الله میفرماید :

" در کتاب اقدس جمیع را اذن فرموده اند که با طوایف
مختلفه عالم بکمال روح و ریحان معاشرت نمایند لاجل
القای کلمة الله چه اگر اجتناب نمایند احدی از
امرالله اطلاع نیابد و به افق اعلی فائز نشود ."

صفحه ۲۶۹ گنجینه حدود و احکام

فصل بیستم : لباس و محاسن

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

« قَدْ رَفَعَ اللَّهُ حُكْمَ الْحَدِّ فِي الْبِئْسِ وَاللَّحَى فُضِّلَ مِنْ
عِنْدِهِ إِنَّهُ لَهُو الْأَمْرُ الْعَلِيمُ اعْمَلُوا مَا لَا تَنْكِرُهُ الْعُقُولُ
الْمُسْتَقِيمَةُ وَلَا تَجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ مَلْعَبَ الْجَاهِلِينَ . »

مضمون بیان مبارک چنین است :

« خداوند به فضل خویش حکم محدودیت لباس و ریش را
از میان برداشته است . اینکه آنچه را که عقول سلیمه
میپسندد انجام دهید و خود را باز آنچه دست جهال نسازید . »

و نیز در بشارت هفتم از قلم اعلی نازل گشته :

« زمام البسه و ترتیب لُحی و اصلاح آن در قبضه اختیار
عباد گذارده شده و لکن ایاکم یا قوم أَنْ تَجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ
مَلْعَبَ الْجَاهِلِينَ »

بنه موجب کتاب مستطاب اقدس تراشیدن موی سر جایز
نمیباشد و تجاوز زلف از حد گوش برای رجال ممنوع است .
حضرت عبدالبهّا میفرمایند : « مادام سر را مو خلق شده
یقین است که در آن حکمتی است لهذا خلقِ راءس مضر
است چنانچه طباً و فناً این ثابت »

همچنین طبق آیات کتاب اقدس پوشیدن لباس حریر و
استفاده از پوست خنز و سنجاب حلال و مباح است .

فصل بیست و یکم : طلاق

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" إِنَّ اللَّهَ أَحِبُّ الْوَصْلَ وَالْوَفَاقَ وَ أَبْغَضَ الْفُصْلَ وَالطَّلَاقَ

عَاشِرُوا يَا قَوْمِ بِأَتْرُوحِ وَ الرِّيحَانِ لِعُمْرِي سَيَفْنِي مَنْ فِي

الْإِمْكَانِ وَ مَا يَبْقَى هُوَ الْعَمَلُ الطَّيِّبُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى

مَا أَقُولُ شَهِيداً "

مضمون آیه مبارک چنین است :

" خداوند همبستگی و سازگاری را دوست میدارد و از جدائی و طلاق بیزار است . ای مردمان با یکدیگر به روح و ریحان معاشرت نمائید ، قسم به جانم آنچه در عالم است بسزودی فانی خواهد شد و آنچه باقی و برقرار خواهد ماند همانا عمل پاک و کردار پسنديده میباشد . "

در دیانت بهائی طلاق عملی بسیار ناپسند و مذموم بشمار آمده و در نکوهش آن از یراعه شارع امر و قلم مرکز میثاق و لسان ولی امر ممتاز بیانات متعالیه نازل و اثرات نامطلوب و عواقب وخیم آن که مخرب اساس خانواده و هادم بنیان جوامع بشری است بطور وضوح تشریح و تبیین گردیده و اجرای این حکم بجز در موارد خیلی نادر و استثنائی ممنوع شده است ، خلاصه قسمتی از احکام طلاق ذیلا درج میگردد :

۱- حکم طلاق مشروط به موافقت و تصویب محافل مقدسه روحانیه در هر نقطه است که پس از بررسی و تحقیقات لازم چنانچه چاره منحصراً در جدائی و قطع مواصلت بین زوج و زوجه باشد نسبت به صدور آن اقدام میکنند .

۲- تقاضای طلاق را میتواند هر یک از زوجین به محفل مقدس روحانی محل خویش تسلیم نماید .

۳- پس از رسیدگی به تقاضای طلاق در محفل روحانی محل و تأیید عدم امکان سازش و آشتی و ثبت تاریخ اصطبار زوج و زوجه باید یک سال کامل جدا از هم زندگی نمایند. پس از اتمام یک سال چنانچه رایحه محبت و وداد بین آنها متضوع نشد و موجبات رجوع و آشتی فراهم نگردید طلاق تحقق مییابد و هر کدام از آنها در انتخاب همسر دیگر آزاد و مخیر میگردد .

فصل بیست و دوم : نهی از دست بوسیدن

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ تَقْبِيلُ الْآيَادِي فِي الْكِتَابِ هَذَا مَا نَهَيْتُمْ

عَنْهُ مِنْ لَدُن رَّبِّكُمْ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . "

مضمون آیه مبارک چنین است :

" دست بوسیدن در کتاب الهی بر شما حرام گردیده است
و خداوند آمر توانا شما را از این عمل نهی نموده است "

هیكل مبارک در الواح مبارکه رسومی چون سجود و انطراح
در مقابل دیگران و هر عمل دیگری را از این قبیل که
سبب تذلیل و تحقیر افراد میشود تحریم فرموده اند .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۴۷

فصل بیست و سوم : نهی از غیبت و افتراء

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ الْقَتْلَ وَالزَّانَا ثُمَّ الْغَيْبَةَ وَالْاِفْتِرَاءَ
اجْتَنِبُوا عَمَّا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فِي الصَّحَائِفِ وَالْاَلْوَا حِ . "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" آدم کشی و زنا و غیبت و افتراء بر شما حرام شده است
از اعمالی که ارتکاب آن در کتب و الواح نهی شده است
اجتناب نمائید . "

حضرت عبدالبهّا میفرمایند : " بعضی از اجباء در سِرِّ سِرِّ
مَدْمَتِ بَیْرَانِ دِیْکَرِ نَمَایَنْد و اَسَاسِ غَیْبَتِ رَا دَر نَهَایْتِ
مَثَانَتِ وَضَعِ نَمَایَنْد و اَسْمَشِ رَا دِلْسُوْرَی اِمْرَاللّٰهِ کَذَارَنْد
الْبَیْتَه کَمَالِ مَوَاطِبَتِ رَا دَاشْتَه بَاشَیْد و جَمِیْعِ رَا مَنَعِ صَرِیْحِ
نَمَایَنْد زَیْرَا هِیْجِ خَلْعَتِی مُضَرَّتْرَازِ اِیْنِ صَفْتِ عَیْبِ جَوْثِی نَه . "
صفحه ۳۰۶ گنجینه حدود و احکام

در لوح دیگر میفرمایند قوله العزیز : " دَر جَمِیْعِ الْوَا حِ
بِهَا اللّٰه مَصْرَحٌ اَسْتِ کِه غَیْبَتِ و بَد کَوْثِی اَز دُشَانَسِ و
و سَاوَسِ شَیْطَانِی اَسْتِ و هَادِمِ بَنِیْبَانِ اَنْسَانِی شَخْصِ مَوْمَنْ
مَدْمَتِ نَفْسِی اَز بَیْکَا نِکَانِ نِکَنْد تَا چِه رَسْدِ اَز اَشْنَا یَانِ و
غَیْبَتِ دَشْمَنْ نَمَایْد تَا چِه رَسْدِ بَه مَدْمَتِ دَوَسْتِ ، بَد کَوْثِی و
غَیْبَتِ صَفْتِ سَقِیْمِ الْاَفْکَا رَاسْتِ نَه اَبْرَا رُو خُو دِپَسَنْدِی اَز خَصَائِصِ
اَغْیَا رَاسْتِ نَه یَا ر . " صفحه ۳۰۶ گنجینه حدود و احکام

فصل بیست و چهارم : نهی از سرقت

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ كُتِبَ عَلَى السَّارِقِ النَّفْسُ وَالْحَبْسُ وَ فِي الثَّالِثِ
فَاجْعَلُوا فِي جَبِينِهِ عِلَامَةً يَعْرِفُ بِهَا بِئِثْلًا تَقْبَلُهُ مَدَنُ اللَّهِ
وَ دِيَارُهُ أَيَّاكُمْ أَنْ تَأْخُذَكُمْ الرَّافَةُ فِي دِينِ اللَّهِ أَعْمَلُوا
مَا أُمِرْتُمْ بِهِ مِنْ لَدُنِّ مُشْفِقٍ رَحِيمٍ . "

مضمون آیه مبارک چنین است :

" مجازات سارق برای بار اول نفی بلد و برای بار دوم
حبس مقرر گردیده است و اگر برای بار سوم مرتکب
سرقت شد در پیشانی او علامتی بگذارید تا شناخته شود و
هیچ شهر و دیاری او را به خود نپذیرد مبادا رافت و
مهربانی شما را از اجرای احکام الهی باز دارد . "

در باره صداقت و امانت و اجتناب از دخل و تصرف در
مال دیگران تأکیدات شدیده در آثار الهیه وارد و این
شیوه پسندیده و سنجیده ممتازه را از برای مسدینه انسانی
بمثابه جمن و از برای هیکل آدمی بمنزله عین توصیف
فرموده اند .

حضرت بهما الله میفرمایند قوله تعالی :

" امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق
قوام هر امری از امور به او منوط بوده و هست عوالم
عزت و رفعت و شرف و نور آن روشن و منیر . "

صفحه ۳۱۵ گنجینه حدود و احکام

و نیز میفرمایند قوله تعالی :

" اگر اجبای الهی بطراز امانت و صدق و راستی مزین
نباشند ضرس به خود آن نفوس و جمیع ناس راجع ، اولاً
آن نفوس ابداً محل امانت کلمه الهیه و اسرار مکنونه
ربانیه نخواهند شد و شانی سبب ظلمات و اعراض ناس
بوده و خواهند بود . "

صفحه ۱۶۸ اقتدارات

حضرت عبدالبهائم میفرمایند :

" امانت عند الحق اساس دین الهی است و بنیاد جمیع
فضائل و مناقب است اگر نفسی از آن محروم ماند از
جمیع شئون محروم . با وجود قصور در امانت از ایمان و
دیانت چه شمری و چه نتیجه و چه فایده . "

صفحه ۳۱۷ گنجینه حدود و احکام

طبق نصوص مبارکه تعیین مقادیر حد سرقت با
بیت العدل اعظم الهی است .

فصل بیست و پنجم : نهی از منازعه و مناقشه

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" وَ مَنْ اغْتَاظَ عَلَيْكُمْ قَابِلُوهُ بِالرِّفْقِ وَ الَّذِي زَجَرَكُمْ

لَا تَزَجِرُوهُ دَعْوَهُ بِنَفْسِهِ وَ تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ الْمُنْتَقِمِ

الْعَادِلِ الْقَدِيرِ . "

مضمون آیه مبارک چنین است :

اگر کسی به شما خشم ورزد به او محبت و مهربانی کنید
هرگاه نفسی شما را زجر دهد به او آزار نرسانید . آنرا
به حال خود گذارید و به خداوند سزا دهنده دادگر و
توانا توکل نمائید . "

جمال قدم جل ذکرة الاعظم میفرمایند :

" حق شاهد و گواه است که ضری از برای امر الیوم اعظم
از فساد و نزاع و جدال و کدورت و پرودت ما بین
احباب نبوده و نیست . "

صفحه ۲۲۲ اقتدارات

فصل بیست و ششم : نهی از اعتراض بر یکدیگر

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" لَا يُعْتَرِضُ أَحَدٌ وَ لَا يَقْتُلُ نَفْسًا هَذَا مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ
فِي كِتَابٍ كَانَ فِي سُرَادِقِ الْعِزِّ مَسْتُورًا . "

مضمون آیه مبارک چنین است :

" احدی بر احدی اعتراض نکند و نفسی ، نفسی را به قتل
نرساند . از ارتکاب این اعمال در کتاب الهی نهی
شده‌اید . "

در لوح نبیل از قلم رب جلیل نازل قوله جل سلطانہ :

" ابدأ نفسی تعرض به نفسی ننماید و بر محاربه قیام
نکند شأن اهل حق خضوع و اخلاق حمیده بوده و خواهد بود
دنیا قابل آن نه که انسان مرتکب امورات قبیحه شود و
از مالک احدیه بعید ماند . "

مفحه ۳۰۱/اقتدارات

فصل بیست و هفتم : نهی از دروغ

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" زَيِّنُوا رُؤُسَكُمْ بِالْكَفْلِ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَا وَ قُلُوبَكُمْ بِرِدَائِ
التَّقْوَى وَالسُّنَنِ بِالصَّدْقِ الْخَالِصِ . "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" سرهای خود را به تاج امانت و وفا و قلوب خود را
به زیور تقوی و زبان خود را به صدق خالص بیارائید . "

حضرت عبدالیهما^۱ جَلَّ شَانُهُ میفرمایند :

" بسا کلمه صدقی که سبب نجات ملتی شد و بسا شخص
خسیس را کلمه راستی عزیز و نفیس نمود چه بسیار که
شخص عزیز محترمی را یک کلمه کذب بکلی از انظار
ساقط کرد و از درگاه احدیت محروم نمود ، پس ای جان
پاک پی صادقان گیر و پیروی راستان کن تا به صدق رسی
و به راستی به عزت ابدیه فائز گردی جمیع معاصی به یک
طرف و کذب به یک طرف ، بلکه سیئات کذب افزونتر
است و ضررش بیشتر، راستگو و کفر گو بهتر از آن است که
کلمه ایمان بر زبان رانی و دروغ گوئی . "

صفحه ۳۳۱ گنجینه حدود و احکام

فصل بیست و هشتم : حرمت قمار

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" حَرَّمَ عَلَیْكُمْ الْمِیْسِرَ . "

مضمون آیه مبارک چنین است :

" قمار بر شما حرام است . "

حکم لاپار که امروزه به صورت کسب و تجارت در آمده و در اکثر نقاط جهان معمول و متداول است به موجب بیان حضرت مولی السوری ارواح الوجود لعنایاته الفداء به بیت العدل اعظم راجع است .

صفحه ۳۴۵ گنجینه حدود و احکام

طبق دستور بیت العدل اعظم اعانت به صندوقهای امری از طریق لاپار و بخت آزمائی و امثال آن موافق و مناسب نیست .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۱۸

فصل بیست و نهم : حرمت حمل اسلحه

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" حُرِّمَ عَلَيْكُمْ حَمْلُ آتَاتِ الْحَرْبِ إِلَّا حِينَ الضَّرُورَةِ "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" حمل آلات جنگ جز در مواقع ضروری بر شما حرام شده است . "

در باره اینکه تحت چه شرایطی حمل اسلحه برای افراد ضروری است حضرت عبداللہ را برای دفاع از نفسی در مواقع خطر جایز دانسته‌اند.

و حضرت ولی امرالله میفرمایند : در احوان و قنایع اضطراری و هنگامی که هیچگونه مرجع قانونی برای دادخواهی وجود ندارد افراد احبا مجازند از خود دفاع نمایند .

موارد دیگری نیز وجود دارد که استفاده از اسلحه ضروری و موجه است مثلا در ممالکی که مردم برای تأمین غذا و لباس شکار مینمایند یا در ورزشهایی مثل نشانه زنی و تیر و کمان و شمشیر بازی .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۲۳

فصل سیام : نهی از استفاده از منبر

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ مَنَعْتُمْ عَنِ الْإِرْتِقَاءِ إِلَى الْمَنَابِرِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتْلُوَ
عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّهِ فَلْيَقْعِدْ عَلَى الْكُرْسِيِّ الْمَوْضُوعِ عَلَى
السَّرِيرِ وَ يَذْكُرِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . "

مضمون آیه مبارک چنین است :

" منبر رفتن برای شما ممنوع شده است ، کسی که بخواهد
آیات الهی را برای شما تلاوت کند بر روی صندلی نهاده
شده بر سریر بنشیند و بذكر پروردگار عالمیان پردازد . "

حضرت عبدالبهّا در یکی از الواح مبارکه پس از تأکید
حُرْمَت استفاده از منبر میفرمایند که در مجامع احبای
الهی ناطقین باید در کمال محویت و خضوع و خشوع تکلم
نمایند .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۲۱۸

فصل سی و یکم : نهی از تکدی

مضمون آیه مبارک کتاب مستطاب اقدس چنین است :

" تَكْدِي و همچنین بخشش به سائل و مُتَكَدِّي حرام شده است بر کل واجب است که به کسب و کار مشغول شوند . بر وکلای جامعه (اعضای محافل روحانیه) و اغنیا فرض است که نسبت به تأمین مخارج زندگی افراد عاجز و ناتوان اقدام نمایند به حدود خداوند و سنتهای او عمل کنید سپس آنها را همانند چشمان خود حفظ کنید و از زیانکاران نباشید . "

۳۴
ولی لازم
ذکر
نشد

حضرت عبدالبهّا مبین آیات میفرمایند قوله العزیز :

" مقمود این است که تَكْدِي حرام است و بر گدایان که تَكْدِي را صفت خویش نموده اند انفاق نیز حرام است مقصود این است که ریشه کدائی کنده شود و اما اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره نتواند اغنیا یا وکلاء باید چیزی ، مبلغی در هر ماهی از برای او تعیین کنند تا با او گذران کنند چون بیت العدل تشکیل شود دار عجزه تاسیس گردد لهذا کسی محتاج به سؤال نماند . "

صفحه ۳۵۱ گنجینه حدود و احکام

فصل سی و دوم : نهی از نوشیدن مسکرات

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يُشْرِبَ مَا يَذْهَبُ بِهِ الْعَقْلُ وَ لَهُ أَنْ
يَعْمَلَ مَا يَنْبَغِي لِلْإِنْسَانِ لَا مَا يَرْتَكِبُهُ كُلُّ غَافِلٍ مُرِيبٍ "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" شایسته نیست که انسان عاقل چیزی را بنوشد که عقلش را زائل میسازد بلکه سزاوار چنان است که آنچه لایق و در خور مقام انسان است عمل نموده و از کردار ناپسند اشخاص غافل و نادان اجتناب نماید . " انتهى

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" شُرْبُ خَمْرٍ وَ تَرِيَاكٍ مِنْ مَحْرَمَاتٍ مَنْصُوصَةٍ حَتْمِيَّةٍ اسْتِ
لِهَذَا اِذَا فَرَادَ اجْتِنَابَ نَمَائِنْدُ وَ مَتَدْرَجًا تَرْكُ نَكْنِدُ وَ
از نصیحت و اِنذار محفل مَتَنَبَّهْ نَشُونْدُ وَ عَمْدًا مَدَاوْمَتَدْر
نماینند اِنْفِصَالِ اَنانِ رَا اِز جَامِعِه بَكْمَالِ حَزْمِ وَ مِثَانَتِ
اعلان نمائید . "

توقیع مبارک مورخ ۱۵ مارس ۱۹۳۲

فصل سی و سوم : ذم دخان و حرمت افیون

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قَدْ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ شُرْبَ الْاَفْيُونِ اِنَّا نَهَيْتُكُمْ عَنْ ذَالِكِ

نَهِيًا عَظِيْمًا فِي الْكِتَابِ وَالَّذِي شَرِبَ اِنَّهُ لَيْسَ مِنِّي

اِنْتَقُوَاللهِ يَا اُولِي الْاَلْبَابِ . "

مضمون بیان مبارک چنین است :

" استعمال افیون حرام شده و حق تعالی شما را از

ارتکاب به این عمل شدیداً نهی نموده است و کسی که

افیون استعمال کند از من نمیباشد . " انتهى

حضرت عبدالبهّا جَلَّ شَانُهُ میفرمایند قوله العزیز :

" اما مسئله افیون کثیف مَلْعُونٌ نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ عَذَابِ

اللّٰهِ بصریح کتاب اقدس مُحَرَّمٌ و مَذْمُومٌ و شُرْبِش عَقْلًا

ضَرَبِيٌّ از جُنُونٌ و بتجربه مرتکب آن بکلی از عالم انسانی

محروم ، پناه به خدا میبرم از ارتکاب چنین عمل فطیعی

که هادم بنیان انسانی است و سبب خسران ابدی ، جان

انسان را بگیرد، وجدان بمیرد ، شعور زائل شود ، ادراک

بکاهد ، زنده را مرده نماید ، حرارت طبیعت را افسرده

کند ، دیگر نتوان مُضَرَّتِي اعظم از این تصور نمود . "

مکاتیب جلد اول صفحه ۳۲۸

استعمال دخانیات مانند سیگار ، چپق و غلیان گر چه در
امر مبارک حرمت قطعی ندارد ولی بعنوان یک عادت
مذموم و مکروه که هادم بنیان نوع انسان و موجد انواع
امراض بی امان است ، مورد نکوهش قرار گرفته و از
عوائد مضره محسوب گشته و اهل بها را که مظهر طهارت و
تقدیس در جمیع شئونند از ارتکاب و اعتیاد به شرب
دخان بر حذر داشته است .

حضرت عبدالبها میفرمایند : " یک معنی از معانی شجره
ملعونه دخان است که مکروه است و مذموم و مضر است و
مسموم ، تضييع مال است و جالب امراض و ملال .

لوح احبای طهران

فصل سی و چهارم : نهی از دخول در خانه کسی بدون اجازه

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی :

" اَيُّكُمْ اَنْ تَدْخُلُوا بَيْتًا عِنْدَ فِقْدَانِ صَاحِبِهِ اِلَّا بَعْدَ اِذْنِهِ

تَمَسَّكُوا بِالْمَعْرُوفِ فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْغَافِلِينَ "

مضمون آیه مبارک چنین است : " بخانه نفسی در فقدان صاحب آن داخل نشوید مگر بعد از کسب اذن و اجازه او در همه حال به اعمال پسندیده تمسک نمائید و از غافلان مباشید . "

" ای دوستان "

در سبیل رضای دوست مشی نمائید و رضای او درخلق او بوده و خواهد بود یعنی دوست بی رضای دوست خود در بیت او وارد نشود و در اموال او تصرف ننماید و رضای خود را به رضای او ترجیح ندهد و خود را در هیچ امری مقدم شمارد فَتَفَكَّرُوا فِي ذَلِكَ يَا اُولِي الْاَفْكَارِ
کلمات مبارکه مکنونه

... راجع به عدم جواز ورود به منازل افراد بدون اذن صاحبش و اینکه در مواقع لزوم از قبیل آتش سوزی بدون اجازه دخول جائز یا نه این از امور وجدانیه محسوب در مواقع اضطراری یاران به حکم وجدان رفتار نمایند .

پیام معهد اعلیٰ ۳ نوامبر ۱۹۷۰

فصل سی و پنجم : نهی از توبه و استغفار نزد عباد

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَسْتَغْفِرَ عِنْدَ أَحَدٍ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَلْقَاءُ
أَنْفُسِكُمْ إِنَّهُ لَهُوَ الْغَافِرُ الْمُعْطِي الْعَزِيزُ النَّوَابِ . "

مضمون آیه مبارک چنین است : " شایسته نیست که
انسانی نزد انسان دیگر طلب آموزش و مغفرت نماید
پیش خود و در محضر خداوند توبه کنید اوست آمرزنده
گناهان و بخشنده و عزیز و توبه پذیر . "

و در لوح بشارات از قلم اعلی نازل قوله العزیز :
" باید عاصی در حالیکه از غیر الله خود را فارغ و
آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آموزش کند نزد عباد
اظهار خطایا و معاصی جائز نه، چه که سبب آموزش و عفو
الهی نبوده و نیست و همچنین این اقرار نزد خلیق سبب
حقارت و ذلت است و حق جل جلاله ذلت عباد خود را
دوست ندارد . "

طبق توضیح بیت العدل اعظم حرمت اقرار به معاصی مانع
از این نیست که شخص خطایی در جلسه مشورتی که در ظل
تشکیلات امری منعقد گشته به خطای خود اذعان نماید .
همچنین میتواند این گونه اظهارات را در نزد دوست
نزدیک و یا مشاور متخصص بیسان و از آنان کسب نظر
نماید . توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۴۸

فصل سی و ششم : نهی از تقیه و کتمان عقیده

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" حکمت و تقیه در گذشته ایام کفیلِ صون و حمایت
مظلومان آن سامان بود و یگانه وسیله حفظ و حُرّاست
آئین حضرت یزدان، ولی در این ایام چون اعدای امر الهی
و دشمنان آئین آسمانی بُرُقعِ ستر و خفا را از وجه حقایق
امریه برانداخته‌اند و معتقدات اساسیه اهل بهما را
کاملاً مکشوف و مُشْتَهَر ساخته‌اند و به اثبات استقلال شرع
حضرت بهما، الله پرداخته‌اند و به این سبب نبأ عظیم را
در اقطار و اکناف عالم معروف و مشهور نموده‌اند تقیه
و کتمان عقیده علت توهین و تحقیر است و در انظار اهل
فراست بیمورد و مضر ، مخالفین و معاندین این رویه را
حَمَل بر جَبَن و خوف نمایند و از تأثیرات سستی عقیده
شمرند . "

صفحه ۴۵۸ گنجینه حدود و احکام

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" سؤال ثالث در خصوص کتمان عقیده در نقاطیکه بهائی
غیر موجود معروض داشته بودید جواب فرمودند کتمان
عقیده حتی در این مورد مَذْمُوم و مخالف مبادی این امر
است . "

لوح جناب ثابت شرقی ۲۳ آپریل ۱۹۳۴

فصل سی و هفتم : نهی از تاویل کلمات الهیه

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" اِنَّ الَّذِي يَأْوِلُ مَا نُزِّلَ مِنْ سَمَاءِ الْوَحْيِ وَيُخْرِجُهُ عَنِ الظَّاهِرِ اِنَّهُ مِنْ حَرْفٍ كَلِمَةً اللّٰهُ الْعَلِيَّاءُ وَ كَانَ مِنَ الْاٰخِرِيْنَ فِيْ كِتَابٍ مُّبِيْنٍ . "

مضمون آیه مبارک چنین است : " کسیکه آیات نازل از سما' وحی را تاویل و معانی آنرا از صورت ظاهر خارج سازد در زمره کسانی است که کلام حق را به میل خود تحریف نموده و در کتاب الهی درسلک زیانکاران بشمار خواهد آمد . "

حضرت بهاء'الله میفرمایند :

" کلمه الهیه را تاویل مکنید و از ظاهر آن محجوب ممانید چه که احدی بر تاویل مطلع نه الا الله ... "

صفحه ۳۴۰ گنجینه حدود و احکام

حضرت عبدالبهاء' میفرمایند :

" از جمله وصایای حتمیه و نصایح صریحه اسم اعظم این است که ابواب تاویل را مسدود نمائید و به صریح کتاب یعنی به معنی لغوی مصطلح قوم تمسک جوئید ... "

صفحه ۳۴۱ گنجینه حدود و احکام

فصل سی و هشتم : نماز آیات

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

«قَدْ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مَلُوءَ الْأَيَّاتِ إِذَا ظَهَرَتْ أَذْكُرُوا اللَّهَ

بِالْعِظْمَةِ وَالْإِقْتِدَارِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . قُولُوا :

«الْعِظْمَةُ لِلَّهِ رَبِّ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى رَبِّ الْعَالَمِينَ .»

مضمون بیان مبارک چنین است :

«شما را از ادای نماز آیات معاف نمودیم هر گاه
حوادث سماوی و ارضی پدیدار شد خداوند را به عظمت و
اقتدار ذکر نمائید . اوست شنوا و بینا . بگویند :
عظمت و بزرگواری از آن پروردگار عالم عیان و جهان
پنهان ، خداوند عالمیان است .»

در رساله سوال و جواب مذکور است :

س : ذکر که در عوض صلاه آیات نازل شده واجب است یا

نه .

ج : واجب نه .

فصل سی و نهم : ربح پول

نزول پول و ربح پول بشروط رعایت موازین عدل و انصاف
در شرع مبارک حلال است

جمال قدم میفرمایند : " اکثری از ناس محتاج این فقره
مشاهده میشوند چه اگر ربحی در میان نباشد امور مَعَطَّل و
مَعْوَق خواهد ماند ... "

صفحه ۲۰۲ گنجینه حدود و احکام

حضرت عبدالبها میفرمایند :

" و اما مقدار ربح در معاملات نقدیه حضرت اعلی روحی
لَهُ الْفِدَا تَنْزِيلِ تِجَارَتِ رَا مَشْرُوعِ فَرْمُودِه اَنْد اَمَّا
جَمَالِ مَبَارَكِ بَه قَدْر اَمْكَانِ بَه تَخْفِيفِ اَمْرِ فَرْمُودِه اَنْد وَاكْر
نِزَاعِ وِ جَدَالِ حَاصِلِ كُودِدِ حُكْمِشِ رَا جَعِ بَه بَیْتِ الْعَدْلِ اَسْت
و اَمَّا دَر خُصُوصِ رِبْحِ غَیْرِ جَائِزِ رِبْحِ قَاحِشِ اَسْت . "

صفحه ۲۰۴ گنجینه حدود و احکام

فصل چهارم : عطسه و چشم زخم و استخاره

حضرت عبدالبهّا میفرمایند : " اما مسئله عطسه و هم صرف است این دور مبارک این اوهام را از میان برد ذکرش نیز جائز نه " صفحه ۴۵۱ گنجینه حدود و احکام

حضرت عبدالبهّا میفرمایند : " هُوَالله ای بنده الهی در خصوص چشم پاک و ناپاک یعنی اصابت عین مرقوم نموده بودید این محض تُوهم است ولی احساساتی از این و هم در نفوس حاصل گردد آن احساسات سبب حصول تاثرات شود مثلاً نفسی به شور چشمی شهرت یابد که این شخص بد چشم است و نفسی دیگر معتقدو متیقن به تاثرات چشم چون آن شخص بد چشم مشهور، نظری به این بیچاره نماید آن تُوهم مضطرب گردد و پریشان خاطر شود و منتظر ورود بلائی گردد این تاثرات سبب شود وقوعاتی حاصل گردد والا نه این است که از چشم آنشخص آفتی صادر شد و بوجود این شخص رسید لهذا اگر نفسی به قلبش چنین خطوری کرد که فلان شخص شور چشم است و مرا نظر نمود فوراً بذكر الهی مشغول شود تا این و هم از قلب زایل گردد و عَلَیْكَ الْبِهّا الْاِبَهی ع ع " صفحه ۴۵۴ گنجینه حدود و احکام

در خصوص ذکر حق هنگام تصور شور چشمی نود و پنج مرتبه " يَا اَلله الْمُسْتَعَاذُ " را راهنمایی فرموده اند .

حضرت ولی امرالله میفرمایند : " راجع به سوال اخیر هنگامی که وسائل مشورت مفقود و شخص در انجام امر مهمی مُتَرَدِّد، استخاره نمودن با کتاب اقدس چگونه است . فرمودند در این مورد آنچه لازم و واجب، توجه تمام و استمداد از مصدر فیض و الهام است لاغیر و اگر چنانچه تاخیر در تصمیم ممکن تا وسائل مشورت فراهم گردد احسن و انسب است . " صفحه ۴۶۲ گنجینه حدود و احکام

فصل چهل و یکم : ذکر گفتن در کوچه و بازار

هیكل مبارك در كتاب مستطاب اقدس این عمل
را نهی میفرمایند .

این آیه مبارکه اشاره است به عادت بعضی از روحانیون
و رهبران ادیان گذشته که از روی ریا و تظاهر و برای
ایجاد محبوبیت در بین پیروان خود هنگام راه رفتن در
کوچه و بازار به زمزمه ادعیه و مناجات میپردازند و
قصدها آن است که به زهد و تقوی شهرت یابند حضرت
بهاالله اینگونه عادات را تحریم نموده و تأکید
فرموده‌اند که آنچه عندالله اهمیت دارد همانا خضوع و
خشوع و خلوص و تقوی است .

توضیحات کتاب اقدس صفحه ۱۹۶

معانی لغات جزوه احکام

الف

- آمر : امر کننده
ابوین : پدر و مادر ، اولیا
اتباع : پیروی کردن ، از پی کسی رفتن
اجتناب : دوری کردن ، پرهیز کردن
احب : بهتر ، خوبتر
احیان : وقتها ، زمانها
ادعیه : دعاها ، مناجاتها
اذعان : اقرار کردن ، اقرار و اعتراف
اذن : اجازه
ارجح : بهتر ، مناسبتر
ارتقا : بالارفتن ، ترقی کردن
ارتکاب : مرتکب شدن ، انجام دادن کاری
ارکان : پایه‌ها ، رکنها ، اصول
استحمام : حمام رفتن - خود را با آب گرم شستشو دادن
استخاره : فال گرفتن با قرآن برای اقدام به کاری
استشمام : بوئیدن - بو یافتن - بوی بردن
استطاعت : توانائی داشتن ، توانستن
استعمال : بکار بردن ، بکار انداختن ، بکار بستن
استغفار : آمرزش خواستن ، توبه کردن
استفسار : جویا شدن ، پرسیدن
استقرار : قرار گرفتن ، استوار شدن ، جا گرفتن
اسرار : بامدادان ، سحرگاهان

- اشغال : بکار پرداختن - سرگرم شدن به کار یا امری
- اشرف : شرافتمندترین ، با شرفترین
- اصطبار : صبر کردن ، شکیبایی کردن
- اطبأ : پزشکان ، دکتورها
- اعتراض : عیب گرفتن ، خرده گرفتن ، نکته گرفتن
- اعراض : روی برگردانیدن ، دوری کردن
- اعصار : دورانیها ، دوره‌ها
- اغیار : بیگانگان ، دیگران
- افتراء : تهمت زدن - نسبت خیانت به کسی دادن
- افضل : بهتر ، بهترین
- اقامه : برپاداشتن
- اقتران : ازدواج کردن
- اقربا : نزدیکان ، خویشاوندان
- اقطار : ناحیه‌ها ، کرانه‌ها
- اکناف : اطراف ، کناره‌ها
- البسه : لباسها ، پوشاک
- الزم : لازمتر ، واجبتر
- الفت : دوستی ، محبت
- امم : امتهای ، ملت‌ها
- انذار : ترسانیدن - آگاه کردن توأم با بیم دادن
- انساب : مناسب تر ، شایسته تر
- انطراح : بر زمین افتادن
- انظار : ترسانیدن
- انعقاد : بسته شدن و غلیظ شدن مایع - بسته شدن پیمان
- انفاق : بخشش ، عطا
- انفصال : جدا شدن - جدائی - گسستگی

انقیاد : در قید و بند بودن
اوامر : دستورات ، امرها
اوساخ : چرکها ، چرکیها
اولی : لایقتر ، شایسته تر ، برتر
اهم : مهمترین ، بااهمیت ترین
اهمال : سستی

ب

باسی : ایرادی ، اشکالی
برقع : روبند ، نقاب ، حجاب
برودت : سردی ، سرما
بصیرت : بینائی
بکر : دست نخورده ، پاک
بیالاید : آلوده کند
بیع : فروش ، خرید و فروش

ت

تأجیل : عجله کردن ، شتاب کردن
تادیه : ادا کردن ، پرداخت کردن
تاویل : تفسیر ، گرداندن از معنی ظاهری
تبرع : نیکوئی در راه خدا ، بخشش در راه خدا
تبشیر : بشارت دادن
تبیین : آشکار ساختن - توضیح و تفسیر
تجلی : روشن شدن ، آشکار شدن

تجویز : جایز شمردن ، اجازه دادن
 تحدید : حد و اندازه برای چیزی معین کردن
 تحریف : کج کردن ، تغییر و تبدیل کردن کلام
 تحریم : حرام کردن ، منع کردن
 تحفه : ارمان ، سوغات ، هدیه
 تحقیق : به حقیقت پیوستن
 تحقیر : خوار کردن ، بی ارزش ساختن
 تذلیل : دلیل کردن ، خوار گردانیدن
 تراضی : رضایت داشتن
 تزکیه : پاکیزه کردن ، بی آرایش کردن
 تشرف : مشرف شدن ، به حضور رسیدن
 تشریح : شرح دادن ، توضیح دادن
 تصریح : به صراحت و روشنی بیان کردن
 تضييع : ضایع کردن ، از بین بردن
 تعرض : دست درازی ، تعدی
 تعلق : علاقه و دلبستگی داشتن
 تقارن : با هم قرین شدن ، با هم دوست شدن
 تقریر : برقرار شدن ، استوار گشتن
 تقیه : پوشاندن عقیده
 تکاهل : سستی ، تنبلی
 تکدی : کدانی
 تمسک : دست به دامن شدن
 تمکین : قبول کردن و پذیرفتن فرمان کسی
 توسل : متوسل شدن
 توصیف : تعریف ، بیان مشخصات
 توهین : خوار و خفیف کردن ، ضعیف کردن

ثبوت : ثابت بودن ، استوار بودن
 ثقیل : سنگین
 ثلاث : سه ، سه گانه
 ثوب : جامه ، لباس ، ردا

ج

جائز : روا ، ممکن
 جاذب : جذب کننده
 جبن : ترس ، بیم ، بددلی
 جراحت : زخم ،
 جماعت :
 جهال : نادانان

ح

حاذق : ماهر ، استاد ، دانا
 حبس : زندان
 حتمیه : ضروری ، قطعی
 حزم : استوار کردن ، محکم کاری کردن
 حصن : قلعه ، دژ ، پناهگاه
 حصول : حاصل شدن ، بدست آمدن
 حقارت : کوچکی ، خواری ، پستی
 حقداس : تراشیدن موی سر

خاطسی : خطاکار ، کسی که کار اشتباهی انجام دهد
 خزائن : گنجینه ها
 خسران : ضرر کردن ، زیان بردن
 خمیس : فرومایه ، پست ، بخیل
 خمائص : خموصیات ، ویژگیها
 خصلت : خاصه ، خموصیت ، ویژگی
 خطور : بیاد آمدن ، گذشتن به ذهن
 خطیر : بزرگ ، شریف ، بلند مرتبه
 خوف : ترس ، هراس

دخان : دود ، سیگار و چپق و قلیان
 دسائس : مکرها ، حیلله‌های پنهانی

ذلت : ذلیل و خوار شدن
 دمه : عهد ، پیمان
 ذهب : طلا ، زر
 ذیصل : دامن ، پائین هر چیز

ر

رافت : مهربانی ، عطاوت

رایحه : بوهای خوش

ربح : نزول پول ، بهره ، سود

رجال : مردان

رجوع : بازگشتن ، راجع شدن

رزق : روزی

رغبت : خواستن ، میل داشتن

رغبت : بلند مرتبه شدن

ز

زائل : نابود ، ناپیدا

زر : طلا

زفاف : عروس را به خانه شوهر فرستادن

زمام : مهار ، افسار اسب

زمره : جماعت ، گروه

زوج : شوهر ، مرد

زوجیه : همسر ، زن

زیور : زینت دهنده ، جواهرات زینتی

س

سائل : سوال کننده ، گدا

سارق : دزد ، کسی که سرقت میکند

ساقط : افتاده ، فرومایه
 ستر : پوشاندن ، مخفی کردن
 سجایا : مفت‌های خوب
 سجیه : خلق ، خوی
 سریر : تخت
 سقیم‌الافکار : دارای فکر بیمار و مریض
 سلک : رشته ، نخ
 سلوک : در پیش گرفتن راهی
 سلیمه : سالم ، درست
 سما : آسمان
 سنن : سنت ها ، آداب ، رسوم
 سهو : بدون قصد ، از روی اشتباه
 سیم : نقره

ش

شایان : شایسته ، سزاوار
 شئون : کارها و امور مهم
 شقی : پراکنده
 شرعی : آنچه موافق دین باشد
 شری : خرید و فروش
 شمول : احاطه کردن

ص

صائم : روزه دار ، کسی که روزه است

صداقت : درستى ، راستى
صدق : درستى ، راستى
صغار : جمع صغير
صلاة : نماز ، عبادت ویژه خداوند
صنایع : صنعت ها ، کارهای صنعتی
صوم : روزه
صون : حفظ کردن

ض

ضامن : ضمانت کننده
ضرر : ضرر
ضلالت : کمراهی

ط

طریق : راه ، روش
طعم : مزه
طوائف : طایفه ها ، اقوام مختلف
طیب : بهترین از هر چیز
طینت : خلقت ، سرشت

ع

عائله : خانواده
عایدات : چیزهایی که بدست می آید

عذری : بهانه
 عرفان : شناسائی
 عفو : بخشش
 عقول : عقلها ، فهم ها
 غلام : دانشمند
 عمد : قصد ، کاری را از روی قصد مرتکب شدن
 عوائد : نیکی ها ، مهربانی ها
 عواقب : سرانجام ها
 عین : چشم

غ

غسل : حمام کردن ، شستن بدن
 غفران : آمرزش ، بخشش گناه
 غیبت : پشت سر افراد بد گفتن

ف

فائز : پیروز ، دستگار
 فاحش : آنچه از حد تجاوز کند
 فخر : بالیدن ، مباحات کردن
 فرامین : دستورات
 فردوس : باغ بهشت
 فریضه : چیزی که فرض و واجب شده است
 فصیح : خوش لحن
 نظیمه : کار بسیار زشت

نظیعی : کار بسیار زشت
نـلاح : رستگاری
نـلاحت : کشاورزی
نـم : دهان
نـواثد : جمع فائده

ق

قاصدین : قصد کنندگان ، نامه‌برها
قـاطع : قطع کننده ، برنده
قـاطعه : مونث قاطع
قـباله : سند عقد یا نکاح
قـبضه : یک مشت ، درمشت گرفته
قـبیحه : زشت ، ناپسند
قـراء : روستاها
قـرابت : نزدیکی ، خویشی
قـرون : قرن‌ها
قـصبات : دهستان‌ها ، شهرکها
قـصور : کوتاهی کردن ، وانهادن کار
قـناعت : صرفه جوئی
قـوام : محکم شدن ، پایه و اساس گرفتن

ک

کابوس : خواب بد
کافل : پذیرنده ، ضامن

کیار : بزرگان ، افراد بزرگسال
کدورت : تیره شدن ، دلتنگی
کذب : دروغ ، سخن غیر واقعی
کراهت : ناپسند داشتن ، ناراضی بودن
کمره : چیزی که انسان آن را نپسندد
کنز : گنج

ل

لاجل : برای بزرگداشت
لاطمار : بخت آزمائی
لایق : سزاوار ، درخور
لینه : نرم و لطیف

م

ماترک : اموال ، دارائیهای بجامانده از متوفی
ماکولات : خوردنیها ، آنچه بتوان خورد
مالوف : الفت گرفته ، خو گرفته
مباح : جایز ، حلال ، روا
مباین : جدا ، مخالف
مبتنی : بنا کننده ، ساخته و وابسته به چیزی
متابعت : پیروی کردن
متانت : محکم بودن ، نیرومندی ، وقار
مداول : آنچه که معمول و مرسوم باشد

متردد : دو دل ، دارای شک و شبهه
 متکدی : گدا
 متمسک : کسی که به چیزی چنگ بیندازد
 متنبه : بیدار ، آگاه و هشیار
 متیقن : به یقین داننده ، بی شبهه و بی کمان
 متین : محکم و استوار
 محاربه : با هم جنگیدن ، نبرد کردن
 محاسن : ریش ها ، موهای صورت
 محال : غیر ممکن
 محرمت : چیزهای حرام شده
 محشور : گرد هم جمع شده ، همدم ، همراه
 محیر : حیرت انگیز ، شگفت آور
 مختص : اختصاص یافته ، خاص گردیده
 مختل العقل : کسی که عقلش آشفته باشد
 مخرب : خراب کننده ، ویران کننده
 مخیر : صاحب اختیار
 مذمت : بدگوئی و نکوهش
 مذموم : نکوهیده
 مرتفع : بلند
 مرقوم : نوشته شده
 مزین : آراسته ، زینت داده شده
 مستبشر : شادمان
 مستحب : نکو و پسندیده ، دوست داشتنی
 مستلزم : چیزی که لازمه چیز دیگری باشد
 مستمندان : بیچارگان ، فقیران

مستولی : مسلط ، چیره شونده
 مشاعر : عقل ، هوش و درک
 مشهور : مشهور و معروف
 مشروبات : مایعات آشامیدنی ، نوشابه‌ها
 مشیت : اراده خداوند ، خواستن
 مصالحه : آشتی کردن ، سازش کردن
 مصرح : روشن و آشکار شده
 مصیبات : سختی ها ، رنجها ، اندوهها
 مضر : زیان آور ، زیانکار
 مضره : مونت مضر
 مظمع : مورد طمع واقع شده
 معاش : وسیله زندگی ، زندگی کردن
 معاصی : معصیتها ، گناهان
 معاف : بخشوده ، مورد عفو قرار گرفته
 معاندین : عناد کنندگان ، ستیزه جویان
 معدود : شمرده شده ، کم
 معرض : محل ظهور چیزی قرار گرفتن
 معروض : عرضه شده و عرضه داشته
 معطل : بیکار
 معطوف : خمیده و مایل گشته
 معمول : عمل شده ، رسم و عادت
 معوق : عقب مانده ، عقب افتاده
 مغفرت : بخشودن
 مقتضیات : درخواست شده ، در خور
 مقدرات : قدرت داده شده
 مکروه : ناپسند ، ناروا

ملال : بیزاری ، رنج ، اندوه
ملزوم : لازم شده ، چیزی که مورد لزوم است
ملعون : لعن و نفرین شده
مدوح : ستایش شده ، ستوده شده
مناصب : منصبها ، جایگاهها
مناقب : کارهای خوب که موجب ستایش شود
منبعث : برانگیخته ، روان گشته
مُندوب : انتخاب شده ، خوانده شده
منموصه : به نص آورده شده
منقبت : کار خوب که موجب ستایش است
منوط : معلق ، وابسته
مواظت : بهم پیوستن ، بهم وصل شدن
مواعظ : پندها ، اندرزها
موانع : باز دارندهها ، جلوگیری کنندهها
موجد : بوجود آورنده ، ایجاد کننده
موصی : وصیت کننده
مولود : نوزاد ، زائیده شده
مهمل : بیهوده ، کلام بیهوده
میت : مرده

ن

ناس : مردم
نافع : دارای سود و نفع
نبا : خبر
نسا : زنان ، بانوان

نظیف : تمیز ، پاکیزه
نغمات : آوازهای خوش ، تراندها
نغی بلد : تبعید
نکساح : ازدواج
نواهی : نهی شده ها ، کارهای ناپسند
نیست : قصد ، عزم

و

وخیم : سخت و دشوار
وداد : دوستی و محبت
وساوس : دودلی ، اندیشه شیطانی
وضوح : آشکار شدن ، پیدا شدن
وَهْم : کمان ، خیال ، پندار

ه

هادم : ویران کننده

ی

یراعه : قلم